

یادآوری

برای مطالعه

در سال گذشته، با «هدف زندگی» آشنا شدیم و دانستیم که مقصود و محبوب زندگی ما «خداست». او سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌های پایدار و پایان‌ناپذیر است و حرکت به سوی این خوبی‌ها به معنی نزدیکی به اوست. در حقیقت، راه رسیدن به خدا راه رسیدن به همه کمال‌ها و زیبایی‌هاست.

در همین سال آموختیم که موجودات جهان، همان‌گونه که از خداوندند، به سوی او نیز بازمی‌گردند. در میان مخلوقات پیرامون ما، بازگشت انسان، یک بازگشت ویژه است. معاد انسان بر مبنای عمل اختیاری او، و به تعبیر دقیق‌تر عین عمل اوست. بنابراین، باید برای انجام بهترین عمل، به درستی برنامه‌ریزی کند.

در بخش «تفکر و اندیشه» این کتاب با شیوه‌های هدایتی خداوند بیشتر آشنا می‌شویم تا با بهره‌مندی بهتر از هدایت‌های خداوند، برای بهترین زندگی در دنیا و خوشبختی جاودان در آخرت بهتر برنامه‌ریزی کنیم.

بخش اول: تفکر و اندیشه

آب، نعمت بی نظیر خداوند، جلوه زیبایی و طراوت، مظهر پاکی و زلالی و عامل اصلی ادامه حیات و هستی است. در نبود آب، از خروش رودخانه‌ها، آواز دلنشین پرندگان، ترنم شکوفه‌های درختان، تبسم و لبخند گل‌های زیبا و رنگارنگ دنیای طبیعت خبری نخواهد بود.

اگر آب نباشد، حس تماشا و لذت مفهومی ندارد؛ آری، آب جوهر خلقت، ریشه تمام زیبایی‌ها و اساس زندگی در جهان هستی است (وجعلنا من الماء کل شیء حی).

بشر با آب نیازهای طبیعی و جسمی‌اش را برطرف می‌سازد و ادامه حیاتش را میسر می‌گرداند و به‌طور کلی آب، حیات‌بخش جهان مادی و از جمله بشر است (و نحیی به بلده میتاً و ...).

اما حیات روح بشر به چه چیزی وابسته است؟ چگونه می‌توان طراوت و شادابی را به آن هدیه داد؟ سعادتش از چه طریقی تأمین می‌گردد؟

یا ایها الذین آمنوا سحیوانه

وللرسول اذا دعاهم لملأء حکمکم انقال: ۲۴

ای مؤمنان، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید؛ آنگاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که زندگی و حیات‌تان می‌بخشد.

درس اول: هدایت الهی

هر کدام از ما انسان‌ها، از جمله شما عزیزان، امیدها و آرزوهایی کوچک و بزرگ اما متفاوت از یکدیگر داریم و خوشبختی خویش را در برآورده شدن آنها جست‌وجو می‌کنیم و رضایتمندی‌مان از زندگی را وابسته به آنها می‌دانیم و همواره دنبال برنامه‌ای هستیم که بتواند ما را به بهترین شکل، به سعادت برساند.

نیاز دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که بتواند پاسخگوی نیازهای او باشد و سعادت بشر را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه تعاریف متفاوت و گاه متضاد از معنای سعادت و خوشبختی از جانب مکاتب بشری باشیم. این مکاتب با ندای رساندن بشر به سعادت، برنامه‌هایی را ارائه داده‌اند.

اما به‌راستی یک برنامه مناسب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

آیا می‌توان به این برنامه‌ها اعتماد کرد و زندگی را براساس آنها بنا نهاد؟

آیا انسان‌ها می‌توانند به تنهایی برنامه سعادت کامل بشر را ارائه دهند؟

نیاز های برتر

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاهی از آنها را به انسان داده است. در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می کند و سراغ آب و غذا را می گیرد. هنگام سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می برد و برای خود لباس و پوشاک تهیه می کند. اما نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی شود؛ زمانی که انسان، اندکی از سطح زندگی روزمره و نیازهای طبیعی فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهایی مهم تر از نیازهای طبیعی و غریزی روبه رو می بیند. نیازهایی که برآمده از سرمایه های ویژه ای است که خداوند به انسان عطا کرده است^۱. پاسخ صحیح به این نیاز های اساسی است که می تواند سعادت انسان را تضمین کند.

این نیازها به تدریج به دل مشغولی، دغدغه و بالاخره به سؤال هایی تبدیل می شوند که تا پاسخ آنها را نیابد، آرام نمی گیرد. برخی از این نیازها عبارت اند از:

۱. شناخت هدف زندگی: همان طور که در سال گذشته خواندیم، انسان می خواهد بداند «برای چه زندگی می کند؟» و کدام هدف است که می تواند با اطمینان خاطر زندگی اش را صرف آن کند؟ او می داند که اگر این هدف حقیقی را نشناسد یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است در حالی که فرصت و توانایی جبران هم ندارد.

۲. درک آینده خویش: انسان با این سؤال بزرگ نیز روبه روست که: «آینده او چگونه است؟»، «آیا زندگی با مرگ تمام می شود یا دفتر حیات به شکل دیگری گشوده می گردد؟» او اگرچه با کمک عقل خود می تواند به درک این حقیقت برسد که بنا بر حکمت و عدل خداوند، مرگ پایان همیشگی زندگی اش نیست، اما نمی داند که نحوه

^۱. با این سرمایه ها در سال گذشته آشنا شدیم.

زندگی او پس از مرگ چگونه است؟ زاد و توشه سفر به آنجا چیست؟ و خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟

۳. کشف راه درست زندگی: راه زندگی یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه دیگر انسان‌های فکور و خردمند است؛ به خصوص که انسان فقط یکبار به دنیا می‌آید و یکبار آن را تجربه می‌کند. انسان می‌داند که اگر راه و برنامه درست زندگی را انتخاب نکند، به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده، نخواهد رسید و به زیان بزرگی گرفتار خواهد شد که پایان ندارد. اما راه درست زندگی کدام است؟ چگونه آن را می‌توان به دست آورد؟

تدبر

در ترجمه آیات سوره عصر تدبر کنید و به سؤال‌های طرح شده پاسخ دهید:

«سوگند به زمان، که بی‌گمان انسان در زیانکاری است. مگر کسانی که کارهای شایسته کرده‌اند و همدیگر را به حق سفارش کرده‌اند و همدیگر را به صبر سفارش کرده‌اند.»

۱. چرا خداوند در این سوره به زمان سوگند خورده است؟

۲. چه زبانی انسان را تهدید می‌کند؟

سؤال‌هایی از قبیل چیستی "هدف انسان"، "آینده ی او" و "راه درست زندگی"، سؤال انسان‌های جست‌وجوگری است که برای خود و فرصت زندگی ای که در اختیارشان قرار گرفته ارزش قائل‌اند و نمی‌خواهند این موهبت یگانه و تکرارناپذیر را به آسانی به هدر دهند. این دغدغه و درد، یک درد مقدس است، زیرا نشان‌دهنده

بیداری و هشیاری انسان دردمند و توجه وی به ارزش زندگی و آگاهی از زیانی است که در صورت نیافتن پاسخ، در انتظار اوست. از این رو:

هر که او بیدارتر، پردردتر
هر که او هشیارتر رخ زردتر^۲

اما این پایان کار انسان دردمند نیست بلکه او به دنبال پاسخی شایسته به نیازهای بنیادین است تا بر اساس آنها از فرصت خویش بهره برد و آرامش یابد. اما به راستی چگونه پاسخی را می توان مبنای زندگی قرار داد؟ برای اینکه پاسخ به این نیازها، پاسخی راهگشا باشد، باید حداقل دو ویژگی زیر را داشته باشد:

الف. پاسخها باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشند؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است. در حالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به خصوص که راههای پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون است.

ب. همه‌جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان پاسخ دهد. زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی وی پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بُعدی برنامه‌ریزی جداگانه‌ای کرد. همچنین، این برنامه باید ره‌توشه‌ی وی برای جهان آخرت را نیز معین کند.

کسی می‌تواند انسان را در پاسخ‌گویی به این نیازها راهنمایی کند که آگاهی کاملی از خلقت انسان، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او داشته باشد. همچنین بداند که انسان‌ها، پس از مرگ، چه سرنوشتی دارند و چه عاقبتی در انتظار آنهاست.

وقت بیماری همه بیداری است
هر که را درد است، او برده‌ست بو
هر که او هشیارتر، رخ زردتر

حسرت و زاری که در بیماری است
پس بدان این اصل را ای اصل‌جو
هر که او بیدارتر، پردردتر

۱. مثنوی معنوی، دفتر اول:

فعالیت کلاسی

جدول زیر را که نشان دهنده توانایی ها و محدودیت های دستگاه اندیشه انسان است را کامل کنید.

نتیجه	میزان اطلاعات	
انسان نمی تواند هیچ نظری بدهد	اگر در موضوعی اطلاعات کامل در اختیار دستگاه تفکر قرار نگیرد .	۱
	اگر در موضوعی اطلاعات غلط در اختیار دستگاه تفکر قرار گیرد .	۲
	اگر در موضوعی اطلاعات صحیح ولی ناقص در اختیار دستگاه تفکر قرار گیرد	۳
انسان به نظری کامل و صحیح می رسد	اگر در موضوعی اطلاعات صحیح و کامل در اختیار دستگاه تفکر قرار گیرد .	۴

با توجه به نتایج جدول بالا ؛

الف : آیا دستگاه تفکر انسان به تنهایی می تواند به نیازهای بنیادین پاسخ کامل و جامع دهد؟ چرا؟

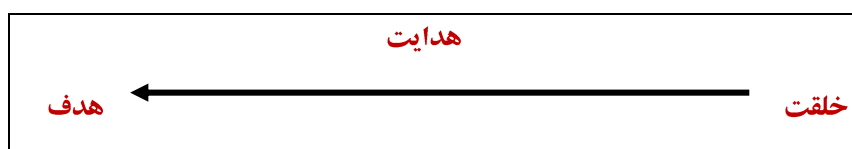
ب: آیا مکاتب ساخته بشر می توانند مسیر سعادت را به طور کامل طراحی کنند؟ چرا؟

هدایت خداوند

دانستیم که خداوند پاسخ به نیازهای طبیعی و غریزی را در دستگاه عظیم خلقت قرار داده است. از سوی دیگر فهمیدیم که انسان به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای بنیادین نیست . حال این سؤال مطرح می شود که چگونه می توانیم به این نیازهای بنیادین پاسخی راهگشا دهیم؟ آیا خداوندی که به نیازهای غیر بنیادین انسان پاسخ داده، انسان را در وادی نیازهای بنیادین سرگردان رها کرده است؟

خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر مخلوقی را برای هدفی معین خلق می کند و برای رسیدن به آن هدف، او را هدایت و راهنمایی می فرماید. پس هدایت، یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.

ربنا الذی اعطى
کل شیء خلقه و
ثم هدی^۳
پروردگار ما کسی است که بخشیده
به هر چیزی آفرینشش را
و سپس او را هدایت کرده است.



خداوند همه مخلوقات را هدایت می کند اما شیوه هدایت مخلوقات متفاوت می باشد توضیح آنکه هر مخلوقی، متناسب با سرمایه هایی که خداوند برایش قرار داده است هدایت می شود.^۴ انسان سرمایه های ویژه ای دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می کند و همین امر سبب تفاوت شیوه هدایت وی از سایر مخلوقات شده است. یکی از این سرمایه ها توانایی تفکر و انجام کارها به کمک فکر و اندیشه و دیگری قدرت اختیار و انتخاب است. با توجه به این دو سرمایه است که فعالیت های انسان را اختیاری می نامند. انسان، ابتدا درباره هر کاری که می خواهد انجام دهد، تفکر می کند و اگر به هر دلیلی تشخیص داد که آن کار مفید است و او را به هدفی که دارد می رساند، آن را انتخاب می کند و انجام می دهد.

۱. سوره طه: آیه ۵۰.

۲. به طور مثال، زنبور عسل که ساختمان بدنی ویژه خود را دارد و برای تولید عسل باید مکان مخصوص خود را تهیه کند، خداوند او را هدایت می کند تا آن کندوی مخصوص را بسازد (سوره نحل: آیه ۱۶).

بنابراین، هدایت خداوند نیز از مسیر این دو ویژگی می‌گذرد. یعنی خداوند برنامه هدایت انسان از طریق پیامبران می‌فرستد، این برنامه که در برگیرنده پاسخ به سئوالات بنیادینی است که اندیشه بشر به تنهایی نمی‌تواند به آنها پاسخ دهد، توسط رسولان به مردم ابلاغ می‌شود تا انسان با تفکر در این برنامه و پی بردن به ویژگی‌ها و امتیازات آن با اختیار خودش این برنامه را انتخاب کند و در زندگی به کار بندد و به هدفی که خداوند در خلقتش قرار داده برسد.

انسان با عقل خود در پیام الهی تفکر می‌کند و با کسب معرفت و تشخیص بایدها و نبایدها، راه صحیح زندگی را می‌یابد و پیش می‌رود.

امام کاظم (ع) به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم، فرمود:

ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آنکه این بندگان در پیام الهی تعقل کنند.

کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل‌تر است. رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.

ای هشام، خداوند دو حجت^۵ بر مردم دارد: حجتی آشکار و حجتی نهان. حجت آشکار، رسولان و انبیا و ائمه‌اند و حجت نهان، همان عقل انسان‌هاست.^۶

البته بشر، چون قدرت اختیار دارد، می‌تواند هر برنامه دیگری را برگزیند. اما چنان‌که گفته شده چون هر برنامه دیگری نمی‌تواند پاسخ درستی به آن نیازها بدهد، انسان زیان خواهد کرد و با دست خالی دنیا را ترک گفته و

۱. حجت، آن دلیلی است که برای قانع کردن یا محکوم کردن دیگری به کار می‌رود. خداوند با این دو حجت در مقابل گناهکاران و گمراهان که می‌خواند بگویند راهی برای تشخیص حق نداشتیم، استدلال می‌کند و آنان در مقابل داوری الهی پاسخی نخواهند داشت.

۲. اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۱۹.

به آخرت خواهد شتافت و در آنجا زیان خود را مشاهده خواهد کرد. قرآن کریم چنین کسی را «ناسپاس» نامیده است:

«انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»

علت ناسپاس نامیده شدن چنین فردی، این است که وی برنامه اطمینان بخش را دیده، اما از انتخاب آن سرپیچی کرده است. عمل این فرد مانند کسی است که در هنگام تشنگی، ظرف آب گوارا را از دست دوست نگیرد و به بهانه اینکه انتخاب با خودم است، جام زهری را که ظاهراً شیرین است، بنوشد. البته چنین انسان ناسپاسی، گرفتار عمل خود خواهد شد و به هلاکت خواهد افتاد.

تکمیل کنید

اگر خداوند به سؤال‌های اساسی انسان پاسخ ندهد و او را رها کند، انسان در قیامت می‌تواند بگوید:

.....

خداوند، در قرآن کریم به این سؤال پاسخ داده که ترجمه‌اش چنین است:

«رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل

خداوند، دستاویز و دلیلی نباشد.»^۷

خداوند با را و بسته است و حجت را بر بندگان

تمام کرده است.

بررسی

برای رسیدن به یک زندگی هدفمند، شاد، رضایت‌بخش و خوش‌فرجام، آسان‌ترین، مستقیم‌ترین و

مطمئن‌ترین راه، چه راهی است؟

چه عواملی سبب می‌شود که برخی انسان‌ها قدم در کوره‌راه‌های نامطمئن و بدفرجام گذارند؟

برای مطالعه

شاید این سؤال به ذهن ما بیاید که: انسان امروز چه قدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟ به عبارت دیگر:

آیا آن نیازهایی که انسان‌های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می‌کشاند، همچنان پابرجاست؟

با نگاهی به سرنوشت انسان معاصر و شرایط کنونی او، درمی‌یابیم که نه تنها آن نیازهای بنیادین قوی‌تر و

جدی‌تر از گذشته پابرجاست، بلکه انسان امروز اگر به خدا و پیام الهی روی نیاورد، سرنوشت خطرناکی در انتظار

اوست.

در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که علم در غرب پیشرفت کرد و به سرعت توسعه یافت. چنین تصویر

می‌شد که می‌توان با کمک علوم تجربی به نیازهای بنیادین پاسخ گفت و دغدغه‌های جدی آدمیان را به آرامش

درونی و آسایش در زندگی تبدیل کرد. اما هر قدر که علم به پیش رفت و ابزارهای کارآمد و مؤثری را در اختیار انسان قرار داد، بر نگرانی‌های وی افزوده شد؛ به گونه‌ای که در اواخر قرن بیستم، انسان احساس کرد که سؤال‌های بنیادینش همچنان بی‌پاسخ مانده است. انسان امروز می‌بیند که آرامش درونی‌اش کاهش یافته، هدف متعالی زندگی وی گم شده، ظلم و بی‌عدالتی گسترش یافته، دانش و تکنولوژی در خدمت اهداف ضدانسانی صاحبان زر و زور قرار گرفته، تروریسم به صورت فردی و دولتی آن، جان انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع را به راحتی می‌گیرد، جهان به دو قطب محروم (با جمعیتی بسیار زیاد) و ثروتمند (با جمعیتی اندک) تقسیم شده است، سلاح‌های مخرب تخریبی فوق‌العاده در انبارها انباشته شده، انواع مواد مخدر در شکل‌ها و اقسام مختلف در دسترس افراد قرار گرفته، فسادهای گوناگون اخلاقی رواج یافته و قاچاق کودکان و فروش آنان در بازارهای مخفی جهانی برای استفاده‌های مختلف (از جمله فروش اعضا) رونق پیدا کرده و استفاده‌ی ابزاری از ظاهر زن برای فروش بیشتر کالاهای تجاری و ثروت‌اندوزی ثروتمندان، کرامت و منزلت انسانی زنان را تنزل داده است.

اگر از ظاهر زندگی تزئین شده‌ی انسان امروز عبور کنیم و به واقعیت درونی آن برسیم، رنج بزرگ او را مشاهده می‌کنیم. انسان آخر قرن بیستم و ابتدای قرن بیست‌ویکم میلادی، برخلاف انسان قرن هفدهم و هجدهم، دریافته است که علم با همه‌ی فایده‌ها و خوبی‌هایش، به تنهایی نمی‌تواند او را از بحران‌های بزرگ رهایی بخشد و به نیازهای اساسی‌اش پاسخی مناسب دهد. همین امر، انسان را برانگیخته است که بار دیگر آهسته‌آهسته به خدا و دین روی آورد و رهایی از سرگردانی را در بازگشت به دین، معنویت و پیام‌های الهی جست‌وجو کند. در نتیجه، انسان امروز بیش از گذشته به پیام الهی احساس نیاز می‌کند.

در این میان، مسئولیتی سنگین بر عهده‌ی ماست که از این موقعیت بهره ببریم و مردم دنیا را به بهترین دین خدا، معنویت و برنامه‌ی زندگی رهایی‌بخش آن دعوت کنیم. برای این کار باید ابتدا آگاهی عمیق و درستی از دین خود به

دست آوریم . در پابندی به آن بکوشیم و سپس، با زیباترین روش‌ها به تبلیغ دین پردازیم. خوب است بدانیم که هم‌اکنون ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی از پرفردارترین کتاب‌هاست و شمار کسانی که در اروپا به دین اسلام درمی‌آیند، بیش از گروندگان به سایر ادیان است.

اندیشه و تحقیق

۱. آیا می‌توان پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه فردی واگذار کرد و گفت که می‌خواهم

بدون بررسی و تحقیق کافی به این نیازها پاسخ دهم؟ چرا؟

۲. آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به این نیازها را نادیده بگیرد و براساس ضرب‌المثل «هرچه پیش آید خوش

آید» رفتار کند؟ چرا؟

۳. قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل

کردیم. پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد تنها به زیان خود عمل کرده است و تو وکیل

و مدافع آنها نیستی».^۸

پیام این آیه چیست و بیانگر چه نکته‌هایی است؟